

رسم عاشقي

آتشي در سینه دارم جاوداني
عمر من مرگي است نامش زندگاني
رحمتي کن کز غمت جان مي سپارم
بيش از اين من طاقت هجران ندارم
کي نهي بر سرم پاي اي پري از وفاداري
شد تمام اشک من بس در غمت کرده ام زاري
نوگلي زيبا بود حسن و جواني
عطر آن گل رحمت است و مهرباني
ناپسنديده بود دل شکستن
رشته الفت و ياري گسستن
کي کني اي پري ، ترک ستمگري؟
ميفکني نظري، آخر به چشم ژاله بارم
گر چه ناز دلبران دل تازه دارد
ناز هم بر دل من اندازه دارد
حيف اگر ترحمي نميکني بر حال زارم
جز دمي که بگذرد از چاره کارم
دانمت که بر سرم گذر کني به رحمت اما
آن زمان که بر کشد گياه غم سر از مزارم

شعر: حسين پژمان بختياري

آهنگساز: مرتضي خان ني داوود

بازسازي آهنگ: سعيد انصاري - برديا کيارس

خواننده: همايون شجريان

دستگاه شور

مايه دشتي

گردآوري و تنظيم فايل: جواد مالدار www.septem.ir